

پیام‌خواه

کلیدهای تربیت کودکان و نوجوانان

پیشگفتار دکتر عبدالعظیم

هوش اخلاقی

در کودکان و نوجوانان

هفت نیکخوبی اساسی که به کودکان انجام کار درست را می‌آموزد

دکتر میشل بُربا

مترجم: فرناز فرود

پیشگفتار: دکتر عبدالعظیم کریمی

فهرست مطالب

۵	سخن ناشر
۷	پیشگفتار: دکتر عبدالعظيم کریمی
۱۳	مقدمه
۲۶	فصل ۱ اولین نیکخویی اساسی: همدلی
۶۳	فصل ۲ دومین نیکخویی اساسی: وجودان
۹۷	فصل ۳ سومین نیکخویی اساسی: خویشن‌داری
۱۳۴	فصل ۴ چهارمین نیکخویی اساسی: احترام
۱۷۱	فصل ۵ پنجمین نیکخویی اساسی: مهربانی
۲۰۶	فصل ۶ ششمین نیکخویی اساسی: بردباری
۲۴۰	فصل ۷ هفتمین نیکخویی اساسی: انصاف
۲۷۸	نمايه

تیمیز هر کتاب از فصلهای متعددی تشکیل شده است که هر فصل به توضیح یک روش کلیدی می‌پردازد. مجموعه کلیدهای ترویج گوشه‌گوشه و تجویانه، علاوه بر شعرانه علمی و صور خود، از این‌ها اسلامه‌های توضیح مطالب و انتقال آنها به خواننده استفاده کرده است که برای عدم مادران و پدران خوان قابل استفاده خواهد بود.

کتابی که در حالت داری به متعارف ترویج اخلاق در جامعه و کمک به والدین و افراد تربیتی می‌باشد، تکمیل ترجمه شده است. این ترجمه کارشناسیانه چندین از روشنانهای اسلامی و با این هدف و با توجه به راهنمایی‌های کارشناسیانه چندین از روشنانهای اسلامی و حاشیه‌شناسیان ایرانی حدوده در صورت از من اصلی کاتبه شده است که مطالب

پیشگفتار

از امیر مؤمنان علی (ع) نقل است که فرمود: «الْحَلْمُ تَمَامُ الْعَقْلٍ^۱». تمامیت «خردورزی» در «بردبازی» است. در این کلام موجز چنانچه خرد را نماد «هوش» و فرهیختگی، و برباری را نشانه‌ای از «اخلاق» و فرزانگی در نظر بگیریم مفهوم «هوش اخلاقی»^۲ در وسیع‌ترین و عمیق‌ترین مفهوم خود نمایان می‌گردد. در واقع، غایت عقلانیت و هوشمندی، دست یافتن به فضیلت برباری و نیک‌خوبی است. و عصارة همه خوبیها و ارزش‌های والا در «خویشندانی» و «خویشتن‌دانی» نهفته است.

اگر «هوش» را ظرفیت سازگاری با موقعیت جدید قلمداد کنیم، آنگاه «اخلاق»، ظرفیت سازماندهی ارزشی به این موقعیت را پوشش خواهد داد. از این‌رو «هوش اخلاقی» می‌تواند گستره و ژرفای توانمندیهای فکری و عاطفی را در همه مراحل و ابعاد زندگی نمایان ساخته و نیکی و «نیک‌خلقی» را پدید آورد.

اما تا چه اندازه موضوع «رشد اخلاقی» در کنار «رشد هوشی» مورد توجه اولیاء و مربيان قرار می‌گيرد؟ تا چه اندازه رابطه بین «فرآيندهای ذهنی» با «فرآيندهای عاطفی» در زندگی کودکان مطالعه و ارزیابی می‌شود؟

۱. غرالحكم و دررالكلم؛ ۱: ۲۶۴

آیا به همان اندازه که والدین نگران «هوش منطقی»^۱ کودکان خود هستند به همان اندازه نسبت به «هوش اخلاقی» آنها حساسیت دارند؟

آیا به همان میزان که از فرزندان خود انتظار دارند تا در «کارنامه آموزشی» خود نمرات بالا ردیف کنند به همان میزان از آنها انتظار دارند که در رفتارها و ارزشهای اخلاقی نیز نمره بالا به دست آورند؟

آیا به همان اندازه که والدین به «خوش‌گلی» و «خوش‌لباسی» فرزندان خود حساس هستند به «خوش‌دلی» و «خوش‌خلقی» آنها نیز توجه دارند؟

آیا به همان اندازه که والدین به قدرت ذهن‌ورزی مغز فرزندانشان توجه می‌کنند به همان اندازه به مهرورزی قلب و زیبایی عواطف و احساسات آنها نیز توجه می‌کنند؟

آیا به همان اندازه که اولیاء و مریبان در صدد افزایش معدل درسی داشت آموزان هستند به افزایش معدل اخلاقی آنها نیز توجه دارند؟

آیا به همان اندازه که والدین برای موفقیت فرزندانشان در رقباهای آزمون ورود دانشگاهها حساس هستند به موفقیت آنها در آزمون زندگی فردی و اجتماعی نیز توجه می‌کنند؟

به نظر می‌رسد پاسخ به این پرسش‌ها در اغلب موارد منفی باشد. زیرا نگاه تک‌ساختی به تربیت کودکان و نوجوانان موجب شده است سایر ابعاد وجودی آنها نادیده گرفته شود.

در حقیقت؛ بسیاری از فرزندان ما با بزرگ می‌شوند اما اندازی از آنها بلوغ و پختگی را تجربه می‌کنند؛

بسیاری از فرزندان ما در مدرسه رسمی «دانش آموخته» می‌شوند اما اندازی از آنها در مدرسه زندگی «فرهیخته» می‌شوند؛

بسیاری از فرزندان ما «آموزش» می‌بینند اما اندازی از آنها «پرورش» می‌یابند؛

بسیاری از فرزندان ما درسها و نصائح اخلاقی را فرا می‌گیرند اما اندازی از آنها به منش اخلاقی و کردار معنوی دست می‌یابند؛

بسیاری از فرزندان ما «مراحل رشد ذهنی» را به سرعت طی می‌کنند اما اندازی از آنها موفق به طی کردن «مراحل رشد اخلاقی» می‌شوند؛

بسیاری از فرزندان ما مهارت‌های حل مسئله را در «مدرسه» یاد می‌گیرند، اما اندازی از آنها توان حل مشکلات خود را در «زنگی» دارند؛

بسیاری از فرزندان ما در کسب «دانش» به سطوح بالای تحصیلی می‌رسند اما اندازی از آنها به درجات بالای «منش» و «بینش» دست می‌یابند؛

پس برای آنکه بین این ابعاد رابطه معنی دار برقرار شود باید «تحول اخلاقی» به موازات «تحول شناختی» در کودکان پرورش یابد و «پایگاه عاطفی قلب» به میزان «پایگاه شناختی مغز» کودک مورد توجه قرار گیرد و این مهم بدون پرورش رفتار و ارزشهای اخلاقی یا به عبارت بهتر «هوش اخلاقی» امکان‌پذیر نخواهد بود.

اما هوش اخلاقی چیست؟ چگونه شکل می‌گیرد؟ کارکرد آن چیست؟ آیا روش‌هایی برای پرورش آن وجود دارد؟ عوامل مؤثر در هوش اخلاقی کدامند؟ آیا هوش اخلاقی یک مقوله فطری است یا اکتسابی؟ نقش وراثت و محیط در شکل دهنده هوش اخلاقی چگونه است؟ آیا هوش اخلاقی نیز مانند سایر مفاهیم ذهنی و عاطفی واجد مراحل و دوره‌های خاصی است؟

عوامل سرعت دهنده به رشد هوش اخلاقی کدامند؟ آیا قواعد و روش‌هایی وجود دارد که بتوان از طریق آن کودکان را با ضریب بالای هوش اخلاقی پرورش داد؟